

## «تبیین جامعه‌شناختی تأثیر فضای مجازی بر بی‌تفاوتی اجتماعی»

سید صمد بهشتی<sup>۱</sup>

استادیار و عضو هیئت‌علمی گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، ایران

sbeheshty@yu.ac.ir

مسلم نراقی منش

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، ایران

moslemnaraghi@gmail.com

ابوالقاسم عسکری

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، ایران

sociology.askari2307@gmail.com

نظر پیشرو نصرآباد سفلی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران

pishronazar@gmail.com

شجاعت پور صدیقی

کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، ایران

shojaatpoor@gmail.com

### چکیده

گسترش روز افزون استفاده از شبکه‌های مجازی بر ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها تأثیرات مختلفی داشته است. یکی از مهمترین عرصه‌هایی که لازم می‌نماید اثرات این فضا بر آن بررسی شوند حوزه روابط اجتماعی انسان‌هاست. هدف از انجام این تحقیق تبیین جامعه‌شناختی تأثیر فضای مجازی بر بی‌تفاوتی اجتماعی می‌باشد. این تحقیق با روش کمی و به شیوه پیمایشی انجام شده است. در این تحقیق ۳۷۵ نفر دانشجویان از بین ۵۳۸۵ نفر دانشجوی دانشگاه یاسوج به‌عنوان نمونه آماری مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است که با توجه به محدودیت‌های ناشی از بیماری کووید ۱۹ به‌صورت آنلاین جمع‌آوری شدند. یافته‌ها نشان دادند میانگین بی‌تفاوتی دانشجویان به میزان (۱۰۳,۹۵) پایینتر از سطح میانگین طیف به میزان (۱۱۱) هست. هر چند رابطه میان میزان دقایق استفاده از شبکه‌های مجازی با اهداف مختلف با میزان بی‌تفاوتی معنی دار و مثبت برآورده شدند ولی در محاسبات رگرسیونی سابقه استفاده و گذران زمان در شبکه‌های اجتماعی تأثیری بر بی‌تفاوتی دانشجویان نداشتند و مشارکت فعال و منفعلانه هنگام استفاده از این فضا بر میزان بی‌تفاوتی موثر هست. آزمون فرضیه‌های تحقیق همچنین نشان دادند میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین مردان و شاغلین کمتر از زنان و دانشجویان بیکار هست. با توجه به نتایج معادله رگرسیونی ۱۷,۵ درصد از تغییرات بی‌تفاوتی اجتماعی ناشی از متغیر مشارکت فعال در استفاده از شبکه‌های اجتماعی است. در مجموع یافته‌های این تحقیق نشان داد

<sup>۱</sup>. نویسنده مسئول

حضور در شبکه های مجازی و استفاده از آنها می تواند به تغییر در بعد شناختی و عاطفی افراد منجر شود و در عرصه کنش منجر به تغییرات چندانی نمی شود و این خطر را به همراه دارد که در فضای عمل، بین زندگی واقعی و مجازی افراد شکاف ایجاد شود.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، اینترنت، شبکه های اجتماعی، بی تفاوتی اجتماعی

## مقدمه و بیان مسئله

ظهور فناوری های نوین ارتباطی در عصر حاضر به همراه تحولاتی که در فضای مجازی به وجود آمده، تأثیرات عمیقی بر روابط فردی و اجتماعی گذاشته است و تصور ما را از جهان پیرامون دگرگون می سازد. از زمانی که این فناوری ها وارد فضای زندگی انسان شده تا به امروز، علی رغم تمام ابعاد مثبت و منفی آن، یکسری دغدغه ها و نگرانی هایی را بر خانواده ها تحمیل نموده است که در تمام جوامع موضوعیت داشته و محدود به جامعه و اقلیت خاص نمی شود (عقبیلی و پوری، ۱۳۹۰: ۲۸).

یکی از پدیده هایی که در دنیای مدرن و در ایران نیز مشاهده می شود پدیده بی تفاوتی اجتماعی<sup>۱</sup> است این پدیده به وضعیتی اطلاق می شود که مانع از هرگونه مشارکت و تعامل فعال، آگاهانه، مستمر و پایدار برای شکل دهی یک جامعه مردم سالار و زندگی اجتماعی بهتر می گردد. این وضعیت با طرد هرگونه کنش فعال در فرآیندهای تصمیم گیری سطوح خرد و کلان جامعه، باعث تقلیل تأثیر فرد بر آینده و سرنوشت جامعه و درنهایت افول و عقب افتادگی آن می گردد (نوابخش و میرزاپوری ولوکلا، ۱۳۹۴: ۵۴).

با گذار از سبک زندگی سنتی به سبک مدرن، جمع گرایی به تدریج در جوامع کاهش یافته است، به گونه ای که شدت این تغییرات در شهرها و به ویژه در کلان شهرها دو چندان شده است. در این میان احساس تعهد و مسئولیت اجتماعی افراد به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. به عبارت دیگر، رشد مدرنیته همراه با عوامل دیگر، فردگرایی را در جوامع تقویت کرده و زمینه را برای تضعیف احساسات نوع دوستی و همدردی در بین مردم فراهم کرده است. در این راستا جامعه شناسان و روانشناسان پدیده بی تفاوتی اجتماعی را مطرح می کنند و آن را نوعی بی تفاوتی و بی اعتنائی در افراد نسبت به محیط پیرامون خود توصیف می کنند. تعدادی از محققین وابسته به جامعه شناسی کلاسیک کوشیده اند بی تفاوتی اجتماعی را که اغلب از طریق تفسیر بیگانگی اجتماعی بیان می شود، توضیح دهند. به عنوان مثال، زیمل به ویژگی های زندگی شهری مدرن (کرایب، ۲۰۱۵؛ ممتاز، ۲۰۰۰)، دورکیم به پدیده آنومی و ضعف هنجاری در جامعه مدرن (رفیع پور، ۱۹۹۹)، تونیس و وبر به تکثیر کنش ها اشاره می کنند. بر اساس عقلانیت مدرن (رئا، ۲۰۱۵)، مارکس به انزوای کارگران به دلیل ماهیت تولید سرمایه داری، و زنانیکی و توماس در نظریه گسست اجتماعی نظام به ضعف هنجارها اشاره می کنند (کروبی و فردوسی، ۲۰۲۱: ۲). بی تفاوتی اجتماعی یکی از عناصر نامطلوب فرهنگ مدرن است که با تأکید بیش از حد بر ترجیحات شخصی و منافع فردگرایانه در زندگی شهری معاصر نمود یافته و همچون مانعی در ایجاد و برقراری ارتباطات مثبت اجتماعی و نیز افزایش مشارکت شهروندان در امور اجتماعی قرار گرفته، به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر می شود (قاضی زاده و کیان پور، ۱۳۹۴: ۶۰).

راجع به بی تفاوتی اجتماعی متون دینی از جمله قرآن تذکراتی داده است. قرآن مجید، ذیل آیات امر به معروف و نهی از منکر و آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ سوره آل عمران، موضوع بسیار مهم بی تفاوتی اجتماعی را با تعبیرهای گوناگون مورد توجه قرار داده و

۱. Social apathy

معتقد است که احساس مسئولیت و نوع دوستی مایه قوام و دوام تمام واجبات و ارزش های انسانی و اسلامی است و همچنین اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از آیات قرآن کریم (توبه/ ۷۱) برای مقابله با بی تفاوتی، دعوت به خیر (امر به معروف و نهی از منکر) را وظیفه ای همگانی و بر عهده مردم نسبت به یکدیگر مقرر کرده است. بنابراین، آنچه در مسائل فردی و اجتماعی انسان ها دارای ارزش و در درجه اول اهمیت می باشد، داشتن حساسیت نسبت به سلامت و سعادت خود، خانواده، همسایگان و افراد جامعه است. به اینکه بکشیم نسبت به نقص ها، عیب ها و مشکلات گوناگون خود و دیگران بی تفاوت نباشیم که این بی تفاوتی آفت سلامت و پیشرفت جامعه خواهد بود.

واقعیت این است که هرچند وقت یکبار، حوادثی در گوشه و کنار جهان و کشور رخ داده است که واکنش و ارتباط مردم با آن ها قابل بررسی تحلیل است. بسیاری از ما تا به حال، شاهد ویدئوهای مختلفی از جمله تجاوز به حقوق و دارایی های افراد در مکان های عمومی، نزاع و درگیری، سرقت و .. بوده ایم که نشان دهنده این موضوع است که فردی شاهد این وقایع بوده و بی توجه به دعوا، جنایت یا به در دسر افتادن بوده است؛ این موضوع نمونه بارز بی تفاوتی اجتماعی در بین افراد جامعه است. شاید خیلی برای ما اتفاق افتاده باشد که در خیابان های شهرمان شاهد نزاع و درگیری بین چند نفر باشیم و شاید بعد از شدید شدن دعوا بر روی هم سلاح سرد و یا گرم بکشند و ما بی تفاوت به این صحنه ها بگذریم و شاید هم گوشی های موبایلمان را درآورده و مشغول فیلم برداری شویم تا بعدها به دوستان و اطرافیانمان نشان داده و وقتمان را بگذرانیم. برخی از حوادثی که مصداق این پدیده است را می توان چنین مثال زد: حادثه ی میدان کاج تهران، جنایتی که منجر به کشته شدن فردی در مقابل دیدگان عده کثیری از مردم شد که بدون هیچ عکس العملی، مقابل مجروحی در حال جان دادن و التماس تنها به فیلم برداری با گوشی های تلفن همراه خود پرداختند قتل دانشجویی در پل مدیریت، در تیرماه سال ۱۳۹۰ روی پل عابر پیاده پل مدیریت تهران رخ داد و در آن پسر دانشجویی همکلاسی خود را با ۲۶ ضربه چاقو به قتل رساند. در سال ۱۳۹۰ در میدان انقلاب شخصی، اقدام به خودسوزی کرد، واکنش نه چندان جدی عابران و ناظران نسبت به این حادثه نیز مهم و قابل تأمل بود. حاضران در محل حادثه واکنش جدی نسبت به خودسوزی قربانی نشان نداده اند. این صحنه ها را در موارد بسیار زیاد دیگری نیز می توان دید نظیر؛ اختلاس های صورت گرفته، گرانی و افزایش قیمت ناگهانی کالاها، سقوط هواپیما، موضوعات هسته ای، بگرام و ... جالب است که در این موارد واکنش مردم به موضوع، بیشتر نگاه کردن و گذشتن از کنار آن بوده است و یا انتشار مطالب طنزگونه پیرامون این وقایع در فضای مجازی.

عدم تمرکز بر مسائل اجتماعی و سیاسی پیرامون خود و بی تفاوتی نسبت به مسائل عمومی جامعه از جمله مباحث مهمی است که در تحلیل های سیاسی - اجتماعی کشور مورد توجه محققان علوم اجتماعی قرار گرفته است. در سطح جهانی محققان به این نتیجه رسیده اند که هرچقدر بی تفاوتی بیشتر باشد، بی نظمی، فقدان مشروعیت نظام اجتماعی و .. بیشتر خواهد بود (عنبری و غلامیان، ۱۳۹۵: ۱۳۴). این که چه مواردی باعث می شد که مردم از کنار مسائل مختلف به صورت بی تفاوت عبور کنند، مسئله ای است که ذهن جامعه شناسان و دیگر اندیشمندان اجتماعی را به خود مشغول کرده است. امروزه با گسترش فضای ارتباطات در سطح جهان که باعث افزایش آگاهی مردم از وقایع صورت گرفته در گوشه و کنار جهان و جامعه ای که در آن زندگی می کنند شده است، انتظار می رفت که مردم نسبت به حوادثی که در اطرافشان رخ می دهد واکنش مناسب تری از خود نشان دهند، اما بعضاً می بینیم که مردم در این فضای مجازی بیشتر برای سرگرم کردن خود استفاده می کنند تا تأثیرگذاری بر وقایع اجتماعی مختلفی که رخ می دهد. تحقیقات نشان می دهند روند پوشش اینترنت در جهان و ایران بسیار بالاست. برای مثال بر اساس اعلام بانک جهانی در سال ۲۰۱۵ بیشتر از نیمی از مردم چین اینترنت داشتند و در کشور آلمان بیش از ۸۷ درصد مردم و در پاکستان فقط ۱۸ درصد مردم دسترسی به اینترنت داشتند که این رشد رو به افزایش است. و همچنین در همین سال کمتر از نیمی از مردم ایران به اینترنت

دسترسی داشتند. بانک جهانی این آمار را به ازاء هر ۱۰۰ نفر اعلام داشته است (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۶). طبق آمارهای ارائه شده مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت در آخرین گزارش خود، شمار کاربران اینترنت در ایران تا پایان ۶ ماهه نخست سال ۱۳۹۱ برابر ۴۵ میلیون و ۵ هزار ۶۴۴ نفر اعلام شده است (مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت، ۱۳۹۲).

رئیس قرارگاه فضای مجازی سازمان بسیج مستضعفین در سال ۹۷ با ارائه آماری از آخرین وضعیت فضای مجازی در دنیا گفت: کل کاربران اینترنت در سال ۲۰۱۸ در دنیا بیش از ۴ میلیارد نفر، کاربران شبکه‌های اجتماعی بیش از ۳ میلیارد نفر و استفاده‌کنندگان از گوشی هوشمند هم نزدیک به ۳ میلیارد نفر بوده است و محبوب‌ترین پیام‌رسان‌های اجتماعی در دنیا نیز به ترتیب «فیس‌بوک»، «یوتیوب» و «واتساپ» هستند. امینی در ادامه گریزی هم به آمار کاربران فضای مجازی در ایران زد و گفت: ایران با بیش از ۲۰ میلیون نفر کاربر در اینستاگرام، رتبه هفتم استفاده از این شبکه اجتماعی را در دنیا دارد و کاربران اینترنت هم در سال ۹۶ بیش از ۵۶ میلیون نفر بوده‌اند. وی بایان اینکه ۳۰ میلیون کاربر تلفن همراه هوشمند در ایران داریم و در این زمینه رتبه ۱۶ جهان را به خود اختصاص داده‌ایم (مشرق نیوز، ۱۳۹۷).

از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و از لحظه تولد تا آخر عمر در اجتماع به سر می‌برد و پیوسته با انسان‌های دیگر در تعامل است، همواره باید یاد بگیرد چگونه در جمع زندگی و نیازهای خود را ارضا کند. برای این کار آموختن مهارت‌های اجتماعی لازم است. فرد طی فرآیند جامعه‌پذیری این مهارت‌ها را فرامی‌گیرد و یادگیری درست آن‌ها می‌تواند به شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر شود. مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون است نوعی احساس تعهد و پایداری به دیگران، تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قواعد گروهی که در ذهن فرد شکل گرفته است و بر رفتارهای او اثر می‌گذارد به نظر کنزاد و هایدن (۱۹۸۱) در مسئولیت‌پذیری اجتماعی فرد گرایش مسئولانه دارد. برای فعالیت به صورت مسئولانه احساس شایستگی می‌کند (یزدان پناه و حکمت، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

لازم هست پدیده بی‌تفاوتی اجتماعی از ابعاد مختلف مورد توجه قرار بگیرد. به لحاظ فردی، کسی که نسبت به جامعه خویش بی تفاوت شده باشد مطابق با معیارهای سلامت اجتماعی، قدرت انطباق، پذیرش، مشارکت و شکوفایی اجتماعی را از دست می‌دهد و نمی‌تواند سطح بالایی از سلامت اجتماعی را تجربه کند. افرادی که دچار چنین وضعیتی شوند دچار از خود بیگانگی شده، در هویت یابی و نیز پذیرش الگوهای فرهنگی جامعه با مشکل روبرو می‌شود. همین امر زمینه بروز مسایلی را در جامعه ایجاد می‌کند که ریشه‌های فرهنگی دارند. چنانکه آبرل و همکارانش عنوان می‌کند که جمعیت بی‌تفاوت یکی از شرایط بنیادی است که می‌تواند زنگ خطر را برای جامعه به صدا آورد. بی‌تفاوتی اجتماعی مانعی در راه مشارکت سیاسی و اجتماعی و همچنین توسعه ملی ایجاد کرده، می‌تواند مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی حاکم بر جوامع را با خطر روبرو کند. و در مجموع اینکه اگر چنین وضعیتی در جامعه ایجاد شود با توجه به خصلت بازتولید مسایل اجتماعی در اثر جامعه‌پذیری افراد چرخه معیوبی از مسایل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایجاد می‌شود. با توجه به مطالب بالا یعنی از یک سو گسترش فضای مجازی در ایران و از سوی دیگر بروز شواهدی که نشان از بی‌تفاوتی روزافزون ایرانیان نسبت به مسائل مختلف دارد، این سؤال مطرح می‌شود که چه رابطه‌ای بین گسترش استفاده از فضای مجازی و افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی در بین ایرانیان وجود دارد. پاسخ به سؤال مذکور انگیزه نویسندگان در تدوین این مقاله است.

در خصوص نقش فضای مجازی در بی‌تفاوتی اجتماعی، به صورت جداگانه مطالعاتی صورت گرفته است که به عنوان پیشینه تجربی آورده می‌شود:

عبری و غلامیان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی پرداختند. روش انجام این مطالعه پیمایشی در میان ساکنان بالای ۱۸ سال دو منطقه شهری (محل قزل‌قلعه منطقه ۶ تهران) و روستایی (نظام‌آباد اسلام‌شهر) بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بی‌تفاوتی اجتماعی بیش از آنکه به عوامل و متغیرهای فردی نسبت داده شود، تابعی از ادراکات و تفسیرهای اجتماعی افراد خاصه میزان اعتماد عمومی، رضایت اجتماعی، حس بی‌هنجاری در جامعه، تقدیرگرایی و احساس بی‌عدالتی بوده است. در این میان، اثرگذاری متغیرهای در جامعه «بی‌اعتمادی» در جامعه شهری و «نارضایتی اجتماعی» در جامعه روستایی بارزتر بوده است.

محسنی تبریزی (۱۳۹۰) پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش شهروندان تهرانی) پرداخته است. روش پژوهش پیمایشی و بر روی ۸۵۰ نفر در شهر تهران صورت گرفته است. یافته‌ها نشان داد؛ میان متغیرهای قومیت، شغل و تحصیلات از صفات زمینه‌ای تفاوت وجود دارد و بین تمامی متغیرهای مستقل اصلی، یعنی بی‌هنجاری (آنومی) اعتماد اجتماعی، اثربخشی، اجتماعی، رضایت اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه - پاداش، و التزام مدنی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی‌داری به دست آمد. بر اساس یافته‌های به دست آمده در این مطالعه، می‌توان استنتاج کرد که بی‌تفاوتی اجتماعی در شهروندان تهرانی در میزانی بالاتر از حد متوسط وجود دارد و سطح آن به ترتیب با نوسانات پنج متغیر التزام مدنی، فردگرایی، بی‌هنجاری، رضایت اجتماعی، و محرومیت نسبی تغییر می‌کند.

ظهوری نیا و همکاران (۱۳۹۳) به شناسایی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی پرداختند. با روش پیمایشی و با حجم نمونه آماری ۳۶۹ نفر به این مطالعه پرداخته‌اند. نتایج نشان داد متغیرهای بیگانگی اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، محرومیت نسبی، تحلیل هزینه - پاداش و ادراک عدالت با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه آماری معنی‌داری دارند. نوابخش و میرزاپوری ولوکلا (۱۳۹۴) با یک تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه شهروندان شهر بابل) مورد بررسی قرار دادند. از روش پیمایش با جمعیت نمونه ۳۸۵ نفری از میان شهروندان بالای ۱۸ سال شهر بابل، برای بررسی موضوع استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که بی‌تفاوتی اجتماعی در زنان بیشتر از مردان است، همچنین با افزایش سن و درآمد از میزان بی‌تفاوتی اجتماعی کاسته می‌شود.

قاضی‌زاده و کیان پور (۱۳۹۴) میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان) را مورد بررسی قرار دادند. تعداد جامعه آماری دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود که ۳۷۲ نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی انتخاب شدند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که میانگین بی‌تفاوتی اجتماعی در بین افراد مطالعه شده از یک مقیاس ۵ درجه‌ای مقدار ۱/۹۳ بوده که بیانگر بی‌تفاوتی اجتماعی در حد پایینی بوده است.

مصلحی نیک و حاجیانی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر فضای مجازی بر همدلی اجتماعی دانشجویان دانشگاه تهران پرداختند. روش انجام پژوهش پیمایشی، داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته به دست آمده است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود و حجم نمونه ۱۹۶ نفر بوده است. نتایج پژوهش، قویاً نشانگر آن هست که دانشجویان دانشگاه تهران برخلاف انتظار از میزان معمول کمتر در فضای مجازی حضور داشته و برخلاف تصورات اولیه، وابستگی کمتری به اینترنت دارند. همچنین به لحاظ ارتباط درونی ارزش‌های اخلاقی و مؤلفه همدلی اجتماعی در وضعیت خوبی قرار دارند.

فتحی و جعفری (۱۳۹۶) به بررسی رابطه مصرف رسانه‌ای با تغییر سبک زندگی پرداخته‌اند این مطالعه در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل به روش پیمایشی صورت گرفته است. نتایج نشان داد که بین مصرف رسانه‌ای و سبک زندگی

رابطه وجود دارد. همچنین بین میزان مصرف رسانه‌ای دیجیتال با مصرف فرهنگی، مصرف مادی، رفتار سیاسی و دینداری، همبستگی مستقیم وجود دارد.

جمشید زاده و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به مطالعه جامعه‌شناختی نقش شبکه‌های اجتماعی بر بی‌تفاوتی اجتماعی پرداختند. این تحقیق به روش پیمایشی در بین شهروندان منطقه ۱ و ۲ شهر تهران در سال ۱۳۹۸ صورت گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که میزان بی‌تفاوتی در حد متوسط روبه بالاست و بین متغیرهای نگرش نوع‌دوستانه، رفتار نوع‌دوستانه، نگرش مدنی، رفتار مدنی، تنوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، همبستگی اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه وجود دارد.

در خارج از کشور هم مطالعات مختلفی که نزدیک به بحث می‌باشد وجود دارد: ویازنیکووا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی دلایل بی‌تفاوتی اجتماعی دانش‌آموزان پرداختند. روش انجام کار پیمایشی بود. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تعدادی از ویژگی‌های رفتار اجتماعی منسوب به موضوع مردم را به بی‌تفاوتی اجتماعی نشان داده شده است: مردم‌گریزی، انزوا، بی‌مسئولیتی، انفعال، غوطه‌وری در مشکلات خود، قرار گرفتن در معرض نفوذ شخص دیگری است.

چونگ<sup>۲</sup> (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان تعریف بی‌تفاوتی آورده‌اند که: «بی‌تفاوتی اجتماعی» به کاهش ابتکار عمل در مشورت کردن یا درگیر شدن در فعالیت‌ها یا تعاملات اجتماعی اشاره دارد. بی‌تفاوتی به‌طور سنتی با کاهش سطوح انگیزه برای اقدام، و همچنین با "نقص فعال‌سازی خودکار" همراه بوده است.

ماسن<sup>۳</sup> (۱۹۹۱) در تحقیقش پیرامون بی‌تفاوتی و تولد دموکراسی: چالش لهستانی بیان کرده که: بی‌تفاوتی، از کلمات یونانی به معنای "بدون احساس"، یک اصطلاح است که بر بی‌تفاوتی فردی و شکلی از رفتار سیاسی جمعی دلالت دارد. بی‌تفاوتی سیاسی عدم درگیر شدن یا دخالت روانی در امور عمومی است، جدایی عاطفی از تعهدات مدنی و پرهیز از فعالیت سیاسی. اما هیچ‌یک از این موارد به‌تنهایی بی‌تفاوتی سیاسی نیست، و این‌ها را می‌توان به‌عنوان مؤلفه‌های ضروری، اما ناکافی بی‌تفاوتی سیاسی در نظر گرفت. بی‌تفاوتی سیاسی با عدم علاقه به رفتار جمعی و توده‌ای مشهود است، اما منشأ آن در سطح روانی فردی است. در مجموع، بی‌تفاوتی سیاسی با این نگرش که فعالیت مورد انتظار انجام نمی‌شود، آشکار می‌شود.

کلاین<sup>۴</sup> (۲۰۱۴)، در تحقیقی تحت عنوان رأی اکثریت، بی‌تفاوتی اجتماعی و وضعیت محدودیت‌های موجود، چنین بیان کرده که: مرتبط‌ترین برخورد با بی‌تفاوتی اجتماعی را می‌توان در اثر بنکس و بوردز<sup>۵</sup> (۱۹۸۸) یافت که در طرح زمینه مقاله خودشان، بیان می‌کنند که «بی‌تفاوتی یا بلا تکلیفی در روند تجمیع به‌طور بالقوه می‌تواند از چندین منبع متمایز ناشی شود، از جمله قوانین q. به انواع مختلفی از "خط سیر (روش) بنکس" که ممکن است در صورت شرایط موجود برای وقوع بی‌تفاوتی اجتماعی حاصل شود که تا حدی به نوع قاعده تساوی شکنی در مکان بستگی دارد (Kline, 2014).

## مبانی نظری تحقیق

۱. Viaznikova1

۲. Chong

۳. Mason

۴. Kline

۵. Banks and Boards

مفهوم بی‌تفاوتی اجتماعی ترجمه فارسی اصطلاح انگلیسی «Social apathy» است. در زبان فارسی از این اصطلاح ترجمه‌های گوناگونی شده است، گاهی آن را «بی‌قیدی اجتماعی» و «بی‌احساسی»، «بی‌حالی» یا «بی‌عاطفگی» ترجمه کرده‌اند (عنبری و غلامیان، ۱۳۹۵: ۱۳۵). تعریف متفاوتی برای این مفهوم از سوی دانشمندان مختلف ارائه شده است برای مثال، هارولد کاپلان و بنیامین سادوک بی‌تفاوتی را رفتاری می‌دانند که در وضعیتی از نبود یا بی‌اعتنایی به احساس درونی و عاطفه انسانی، بی‌علاقگی و سطح اندک درگیری هیجانی نسبت به رفتاری و نیاز به همراهی دیگران در محیط پیرامونی بروز می‌کند و می‌تواند با نشانه‌هایی از افسردگی یا روان‌گسیختگی اشتراک‌هایی داشته باشد (مسعود نیا، ۱۳۸۰: ۱۵۳). جامعه‌شناسان بی‌تفاوتی اجتماعی را به گونه‌های مختلفی مورد بررسی قرار داده‌اند.

وبر<sup>۱</sup> قفس آهنین را یکی از دستاوردهای نظام سرمایه‌داری می‌داند که باعث بی‌تفاوتی اجتماعی انسان‌ها می‌شود. قفس آهنین وبر که همان نظام بروکراسی است باعث می‌شود که انسان‌ها تحت سیطره این نظام قرار بگیرند که خارج از اراده آن‌ها بر آن‌ها چیره شده است. تحت سیطره این قفس آهنین زندگی انسان‌ها با نیرویی تقدیری گریزناپذیر تعیین و مشخص می‌شود. تقدیری که از محدود شدن ما در قفس آهنین خبر می‌دهد. وبر با لحنی جدی که یادآور عبارات نیچه است می‌گوید: هیچ‌کسی نمی‌داند که چه کسی در آینده این قفس آهنین خواهد بود، آیا در انتهای این رشد و توسعه فوق‌العاده پیامبران جدیدی ظهور خواهد کرد، آیا این ایده‌ها و آرمان‌های کهن تولدی دوباره خواهند یافت یا نه، و اگر نه آیا تحجری ماشینی که با نوعی خودوالایی زینت یافته به وجود خواهد آمد. درباره آخرین مرحله این توسعه فرهنگی به‌واقع می‌توان گفت: متخصصان فاقد روح و لذت پرستان فاقد احساس‌اند، این پوچی تصور می‌کند که به سطحی از تمدن دست‌یافته که پیش‌ازین کسی به آن نائل نشده بود (استونز، ۱۳۹۳: ۶۲). آبرل<sup>۲</sup> و همکارانش از شرایط بنیادی سخن می‌گویند که اگر وجود نداشته باشد جامعه‌ای نیز به‌جای نخواهد ماند. یکی از این عوامل جمعیت بی‌تفاوت جامعه مربوط است. جمعیت بی‌تفاوت برای یک جامعه تهدیدی به‌شمار می‌آید. اگرچه در اینجا درجه بی‌تفاوتی مطرح است، زیرا برخی از بخش‌های جامعه همیشه دست‌کم قدری بی‌تفاوتی را نشان می‌دهند، اما جمعیت جامعه در برخی موارد ممکن است چنان بی‌تفاوت گردد که اجزای گوناگون سازنده جامعه از عملکرد بیفتند و سرانجام جامعه فروریزد (ریترز، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

از نظر گئورگ زیمل<sup>۳</sup>، «کلان‌شهر»ها عرصه‌ی اصیل فرهنگ مدرن‌اند. از نظر وی انسان کلان‌شهر در برابر حقارت‌ها و تعصباتی که در فرد شهرستانی دیده می‌شود، به مفهومی معنوی و پالایش‌یافته، "آزاد" است. زیرا بی‌تفاوتی و احتیاط متقابل و شرایط زندگی معنوی دوایر بزرگ هرگز به نحوی شدیدتر از آنچه در شهرهای بزرگ به خاطر برخورد این عوامل (بی‌تفاوتی و احتیاط متقابل و غیره) با استقلال فردی رخ می‌نماید، به‌وسیله‌ی فرد احساس نگرندیده است. دلیل این امر آن است که نزدیکی کالبدی و تنگی فضا فاصله‌ی روانی را صرفاً چشمگیرتر می‌سازد. مسلماً صرفاً مشاهده‌ی چنین آزادی است که هیچ‌کس، تحت شرایط خاصی، در هیچ مکان دیگری همانند کلان‌شهر احساس تنهایی و گم‌گشتگی نمی‌کند. زیرا در اینجا نیز مانند هر جای دیگر، به‌هیچ‌وجه لزومی ندارد که آزادی شخص به‌صورت نوعی راحتی در زندگی عاطفی‌اش منعکس گردد» (زیمل، ۱۳۵۸: ۱۰۵-۱۰۶). او معتقد است که یکی از ویژگی‌های بسیار مهم انسان‌هایی که در کلان‌شهرها زندگی می‌کنند، «آزادی شخصی» و «آزادی حرکات» اوست

۱. Weber

۲. April

۳. Georg Simmel

۴. metropolis

(همان، ۱۰۳). الگوی تحلیلی زیمل در قالب شکل (فرهنگ ذهنی) و زندگی (فرهنگ عینی) بیان می‌دارد که چیرگی فرهنگی عینی بر فرهنگ ذهنی سبب بیگانگی در آن جامعه خواهد شد. در جوامع غربی رفتار اجتماعی در قالب مشارکت مدنی فعال (زندگی) همراه با توسعه جامعه مدنی مدرن (شکل) شکل گرفته است. زیمل نمود و ظهور بیگانگی را با زندگی مردم در کلان‌شهرها، فردگرایی، غلبه رایج عینی بر روح ذهنی، انزوای اجتماعی و نهایتاً دل‌زدگی اجتماعی مورد ارزیابی قرار داده است. وی معتقد است مردم در جوامع مدرن الگوی یکسانی را در وابستگی‌های گروهی خود ندارند. در این حالت روابط اجتماعی، هم‌زمان با وابسته شدن فرد به گروه‌ها، چندگانه می‌شود. لذا زمینه برای ظهور فردگرایی نیز فراهم می‌شود، البته حین بروز فردگرایی نیز، بسیاری از وابستگی‌های گروهی با تضاد همراه می‌شود و در این دیدگاه بیگانگی به شکل احساس انزوا و بی‌قدرتی ظاهر می‌شود (نوابخش و میرزاپوری ولوکلا، ۱۳۹۴: ۵۸).

گافمن<sup>۱</sup> یک مفهومی دارد تحت عنوان کنش دوسویه بی‌کانون<sup>۲</sup> که به مفهوم بی‌تفاوتی اجتماعی خیلی نزدیک است. کنش‌های ساده‌ای مانند پرسه زدن در خیابان، در صف ایستادن، در اتاق انتظار یا روی نیمکت پارکی نشستن، ایستادن در آسانسور، رفت‌وآمد در توالی همگانی و بسیاری دیگر از فعالیت‌های روزمره، بازنمای قلمرو بااهمیتی از سازمان اجتماعی است. گردهمایی بی‌کانون در نمای کلی مانند کنش دوسویه کانونمند است که دربردارنده قواعد هنجاری درباره فاصله‌گذاری، حرکت، تعیین جایگاه، گوش فرادادن، گفتگو و نمایش خود است. هیچ نزدیکی و تمرکز شدید توجه یا اجبار رابطه چهره به چهره در رویارویی‌های بی‌کانون وجود ندارد. هنگامی که افراد در محیط همگانی‌اند هنوز هم درگیر نمایش‌اند، ولی چون تماشاچیان درگیر رودرویی چهره‌ای یا گفتگوی درازمدت نیستند، بازنمایی می‌تواند بیشتر خاموش و کمتر با تحریک پیش می‌رود. بسیاری از کنش‌های دوسویه بی‌کانون دربردارنده نزاکت و بی‌توجهی است. مردم می‌توانند با نادیده گرفتن ساده و تحمل کردن شکاف‌های کوچک در هنجارها، خود و اعمال مناسبی بدون تنش و رنجش گرد هم آیند و حرکت کنند. مردم با این روش باعث می‌شوند کنش دوسویه بی‌کانون بدون رویداد بگذرد و افراد را قادر کند معنایی از واقعیت را در نگاه‌های زیرکانه، سرتکان‌دادن‌ها، تماس‌های چشمی لحظه‌ای، تغییر جهت‌ها و دیگر کنش‌های زندگی همگانی بنا کنند (ترنر، ۱۳۹۴: ۵۱۷-۵۱۴). مثلاً وقتی ما در پیاده‌رو در شهرداری به راه رفتن ادامه می‌دهیم و روبرومان یک نفر دیگر دارد می‌آید از حضور شخصی که در روبرومان می‌آید آگاهی داریم و وقتی در کنار هم قرار می‌گیریم با یک نیم‌نگاه به هم به‌سادگی از کنار هم دیگر عبور می‌کنیم درواقع یک کنش دوسویه بی‌کانون صورت گرفته است. چیزی که در اکثر اتفاق‌هایی که در شهرها می‌افتد از آن آگاه هستیم و بی‌تفاوت از کنار آن می‌گذریم. مثلاً یک پیرمرد نابینا و ناتوان می‌بینیم و او هم ما را می‌بیند، در حال عبور از خیابان است، بدون کمک به آن می‌گذریم که گافمن آن را کنش دوسویه بی‌کانون می‌نامد.

رایزمن<sup>۳</sup> به سه نوع جامعه اشاره می‌کند و از نظر او در جامعه دگر راهبر با رهبری رسانه‌های جمعی مواجهیم که پس از دوره رهبری صنعت و دوران درون راهبر (ظهور فردگرایی) دوران سوم صحنه ظهور انبوه تنها درون شهرهای بزرگ است. او این دوره را دوران امحای روابط سنتی و پابرجای خانوادگی، خویشاوندی می‌داند، زمانی که وسایل ارتباط جمعی هدایت عواطف، احساسات و الگوهای حیات اجتماعی را به دست دارند. رایزمن، دوران سوم ارتباطی را دورانی می‌داند که در جریان آن، انبوه‌های تنها درون شهرهای بزرگ پدید می‌آیند. او در اثرش به همین نام «انبوه تنها»، انسان‌هایی را مجسم می‌سازد که در راهروهای تنگ قطارهای

۱ . Goffman

۲ . Unfocused Interaction

۳ . Reizman



زیرزمینی، در دریایی از انسان‌ها غوطه می‌خورند، راه برای رفتن نیست و ازدحام نفس کشیدن را مشکل می‌سازد، اما به‌رغم این‌همه تراکم، انسان تنهاست و هیچ‌گاه در تاریخ چنین تنها نبوده است. هیچ‌یک از این انسان‌ها را نمی‌شناسد، هرگز آنان را ندیده است و باز به‌یقین می‌داند که هرگز هیچ‌یک از آنان را بار دیگر نخواهد دید. او در پی امحای روابط سنتی و پابرجای خانوادگی، خویشاوندی، همسایگی و دوستی‌های پایای قدیم تنهاست و در برابر وسایل ارتباط جمعی و صاحبان قدرتمند آن و همچنین وسوسه‌های ناشی از آن سخت آسیب‌پذیر است. پس به‌زعم رایزمن، این دوران در تاریخ انسان به‌عنوان دورانی ثبت خواهد شد که در آن دیگرانی چند «صاحبان وسایل ارتباطی» الگوهای حیات اجتماعی را می‌سازند (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۶۷).

گیبسون<sup>۱</sup> فضای مجازی را «مکان تجسم‌های همراه با رضامندی» معرفی می‌کند که در آن هر دو بعد فیزیکی و ذهنی «خود» دچار تحول و دگرگونی می‌شود. در واقع جسم فیزیکی در واقعیت مجازی و فضای سایبر فاقد ارزش است و طراحی «خود» در دنیای مجازی به کاهش پیش‌بینی و اعمال کنترل بر هویت می‌انجامد. فضای سایبر فضایی است که تحت تأثیر انقلاب اطلاعات و فناوری اطلاعات که وجه مشخصه آن فرامکانی و فرازمانی است به وجود آمده است. در فضای سایبر چنانچه بودریار می‌گوید ما دیگر در حکم افراد با یکدیگر ارتباط برقرار نمی‌کنیم، بلکه پیام‌هایی هستیم بر روی صفحه کامپیوتر دیگران (عدلی پور، ۱۳۹۱: ۲۱).

تعریف فضای سایبر پیچیده است. در واقع، تعریف آن را می‌توان از طریق سه نوع استعاره داستان‌گویی تقسیم‌بندی کرد تا به ما تعاریفی متفاوت بدهد. ما می‌توانیم فضای سایبر را از دیدگاه سخت‌افزار تعریف کنیم. برای مثال، به‌عنوان شبکه‌ای جهانی از کامپیوترها که از طریق زیرساخت‌های ارتباطی به هم متصل شده‌اند و اشکال گوناگون تعامل میان کنشگران دور از هم را تسهیل می‌سازد. فضای سایبر در اینجا مجموع همه آن گروه‌ها و شبکه‌هاست. به صورتی دیگر، بر اساس تعریفی که تا حدودی مبتنی بر استعاره نمادین است، می‌توان فضای سایبر را به‌عنوان فضایی خیالی بین کامپیوترها تعریف کرد که در آنجا افراد ممکن است خودهای جدید و دنیاهای جدیدی بسازند. در واقع، فضای سایبر همه این‌ها و چیزی که بیشتر از این‌هاست، هم سخت‌افزار و هم نرم‌افزار است، مجموعه‌ای از تصویرها و ایده‌ها نیز هست که جدایی‌ناپذیرند. همچنین، شیوه‌هایی که ما فضای سایبر را تجربه می‌کنیم، بازنمایی کننده نوعی تلاقی میان عناصر مادی و نمادین است که بسته به نوع تجربه، به هرکدام ارزش‌های متفاوتی داده می‌شود (بل، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۲).

نظریه ساخت یابی آنتونی گیدنز، به‌نوعی تلفیق بین تعامل‌گرایی و ساختارگرایی است. او استدلال می‌کند که کنش‌های روزمره مانند خرید کردن، به مدرسه رفتن و غیره هم تولید (زاینده) و هم بازتولید (زاینده) ساختارهای اجتماعی است (عدلی پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰). طبق نظریه ساخت‌یابی، عامل انسانی و ساخت در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ تکرار رفتارهای افراد، ساختارها را بازتولید می‌کند و به‌واسطه همین بازتولید ساختارها از سوی کنش انسانی، ساختارها برای کنش انسان‌ها محدودیت ایجاد می‌کنند. ساختار اجتماعی عمدتاً ناشی از فعالیت‌های روزمره افراد و تبعیت از قاعده است و ساختار به آن قواعدی برمی‌گردد که در چنین کنشی نهفته است (کرایب، ۱۳۸۸: ۱۴۴). به گفته گیدنز ارتباطات سریع الکترونیکی که حتی بر ساکنان مناطق بسیار فقیر کره زمین اثر می‌گذارد، نهادهای محلی و شکل زندگی روزمره را به‌شدت دگرگون می‌سازد. گیدنز، بحث جدایی زمان و مکان را مطرح می‌کند: «در جوامع پیشامدان، زمان همیشه در پیوند با فضا بوده است و در اندازه‌گیری زمان دقت وجود نداشت و با ظهور مدرنیته زمان به معیار تبدیل شد و پیوند تنگاتنگ بین زمان و فضا از هم گسیخت». وی بر این باور است که همین جدایی شرط

۱. Gibson

وقوع فراگردهای از جاکنندگی است. نهادهای از جا کنده، پهنه فاصله‌گیری زمانی - مکانی را گسترش می‌دهند. نقطه تمرکز نظریه ساخت‌یابی، بر مفهوم جدایی زمان از مکان است. گیدنز چنین فرض می‌کند که تغییرات ساختاری در قدرت، به‌واسطه سطوح چندگانه جهانی شدن مانند مبادله پولی، پیشرفت‌های فناورانه و دموکراسی سیاسی گسترده، باعث تغییر و دگرگونی حس ما از زمان و مکان شده است. در جوامع پیشامدرن، زمان و مکان یکنواخت و همبسته بودند، به این معنی که مردم به تعامل در مجاورت یکدیگر تمایل داشتند؛ اما یکی از پیامدهای مهم مدرنیته این است که ظرفیت ما برای زندگی و کار در گستره زمان و مکان به‌صورت مجزا از یکدیگر، گسترش یافته است.

به نظر گیدنز، کنش‌های روزمره به‌وسیله خود کنشگران به لحاظ ساختاری مقید می‌شود و فناوری‌های رسانه‌ای نیز در این امر دخیل هستند. در فرایند امتداد زمان و مکان، تجربیات رسانه‌ای شده، قادر به وادار کردن رویدادهای متفاوت به درون آگاهی روزمره است که می‌تواند به احساس عدم امنیت و واژگونی واقعیت منجر می‌شود. برای وی، تجربیات رسانه‌ای شده، شرط بیرونی کنش هستند که به ما اطلاعاتی درباره دیگران می‌دهند و روایتی را که ما درباره دیگران داریم، تغییر می‌دهند. بر اساس نظریه ساخت‌یابی گیدنز می‌توان استنباط کرد که شبکه‌های اجتماعی مجازی محصول و مخلوق کنش معنادار آدمیان است و افراد چنین محیطی را خلق کرده‌اند، اما این محیط پس از شکل گرفتن محدودیت‌هایی را بر عاملان اعمال می‌کند. ساختار شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر اساس بازتولید یا تکرار همان رفتار مداوم آدم‌ها دوام می‌یابد. افراد در رویارویی با شبکه‌های اجتماعی مجازی برخلاف سایر رسانه‌های متعارف، صرفاً در رده تولیدکننده یا مصرف‌کننده قرار نمی‌گیرند، بلکه می‌توانند در صورت تمایل به‌طور هم‌زمان این دو نقش را داشته باشند و در آن به تولید و بازتولید بپردازند، اما افراد در برخورد با این ساختار، میزان فعالیت و مشارکت متفاوتی دارند. در واقع با استفاده از نظریه ساخت‌یابی می‌توان استنباط کرد که هر چه کاربران با فعالیت بازاندیشانه و مشارکت جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، بیشتر در تولید معنا سهیم هستند و لذا احتمال تأثیرپذیری آن‌ها بیشتر است، ولی هر چه کاربران منفعل و غیر مشارکت‌جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، کمتر در تولید معنا سهیم هستند و احتمال تأثیرپذیری آن‌ها کمتر خواهد بود (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۲)

طبق نظریه گیدنز، عقاید مربوط به تأثیرهای اینترنت بر کنش متقابل اجتماعی در دو مقوله کلی جای می‌گیرند. در یک سمت، ناظران و مفسرانی هستند که دنیای اینترنت را پشتوانه شکل‌های نوین روابط الکترونیکی می‌دانند که تعامل‌های چهره به چهره کنونی را یا تقویت و یا تکمیل می‌کنند. افراد به هنگام سفر یا کار در خارج، می‌توانند با استفاده از اینترنت به‌طور مرتب با دوستان و بستگان خویش در ارتباط باشند؛ دوری و جدایی قابل تحمل‌تر می‌شود. اینترنت امکان شکل‌گیری انواع نوین روابط و مناسبات را نیز فراهم می‌آورد: کاربران «بی‌نام و نشان» شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در چت روم‌ها باهم ملاقات کرده و درباره موضوعات موردعلاقه خویش گفتگو کنند. این تماس‌های مجازی گاه تبدیل به دوستی‌هایی تمام‌عیار می‌شود و یا حتی به ملاقات‌های حضوری می‌انجامد. بسیاری از کاربران اینترنت عضو اجتماعات فعال اینترنتی هستند که به لحاظ کیفی متفاوت از اجتماعاتی است که آنان در دنیای فیزیکی ساکنان آن هستند. دانش‌پژوهانی که اینترنت را افزوده مثبتی به تعامل انسانی می‌دانند، این استدلال را مطرح می‌کنند که اینترنت موجب وسعت و پرمایگی شبکه‌های اجتماعی مردم می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۸۰).

امروزه تحولات فناورانه و شبیه‌سازی در قالب فرهنگ سایبرنتیک در واقع نوعی منطق نوین زندگی یا دو جایگاهی شدن ارتباطات انسانی در دو حوزه‌ی واقعیت و فضای مجازی است. این فضای نوین به‌اصطلاح مایکل‌هایم بازخورد سریع‌تر و قدرتمندتری به نسبت فناوری‌های مدرنی چون تلویزیون، رادیو و روزنامه دارد و از سوی مثل فرژن و هربرت دریفوس معتقدند

که فضای مجازی می‌تواند افراد را از تماس‌های اجتماعی محروم کند و ارتباطات اجتماعی را کم که نهایتاً می‌تواند موجب بی‌تفاوتی اجتماعی گردد. دریفوس با قبول تعریف هیدگری تکنولوژی<sup>۱</sup> می‌گوید: اینترنت نه تنها یک ابداع مدرن و نو تکنولوژیک، بلکه صرفاً گونه جدیدی از این امر است، ابداعی که آشکارکننده ماهیت خود تکنولوژی است. اینجا اینترنت نیز مانند دیگر اختراعات تکنولوژیک آثاری غیر از آنچه که انتظار می‌رود، آشکار می‌کند. به‌عنوان نمونه اگر قصد اولیه تأسیس شبکه‌های اطلاعاتی برای حفظ و اشاعه دانش و اطلاعات برای دانشمندان بوده است، اکنون صرفاً چنین نیست. چنانکه تلفن و اتومبیل نیز ابتدا برای راحتی ارتباطات و انتقالات اختراع شد، اما در پی اختراع آن‌ها مزاحمت و تخریب محیط‌زیست و رهایی سکس نوجوانان پدید آمد. از نظر دریفوس اکنون ارتباطات میان دانشمندان در شبکه جهانی وب به موضوعی جانبی تبدیل شده است. شبکه چنان غول‌آسا شده که آن نیاز خاص اولیه، دیگر امری کاملاً فرعی می‌نماید. از اینجا هر کاربرد تازه آن، امری غافلگیرکننده است. از نظر ستایشگران اینترنت انسان هویتهایی هر چه انعطاف‌پذیر نسبت به گذشته کسب خواهد کرد. به این ترتیب وجوه جدیدی از معنا در زندگی چهره خواهد گشود و موجب گسترش دایره ادراک انسانی خواهد شد. از نظر دریفوس به شهادت پژوهش‌های موجود، نتایج اینترنت چنین نیست، از باب نمونه هنگامی که به افراد امکان دسترسی به شبکه جهانی اطلاعات داده می‌شود، آنان درمی‌یابند که دچار احساس انزوا و افسردگی شده‌اند. بدین ترتیب نظریه نیچه‌ای دریفوس شکل می‌گیرد که حذف حضور تنی و فیزیکی انسان به مثابه وجود کلی او در فضای سبیرینتیک را به معنی گرایش افلاطونی افراطی‌ترین طرفداران شبکه تلقی می‌کند. این گروه افراطی از بسط شبکه در درازمدت انتظار دارند، هر یک از انسان‌ها به‌زودی بتوانند از محدودیت تحمل‌شده بر خود از جانب چشمان رهایی پیدا کنند. در این باب جان پاری پارلو می‌گوید: «دنیایی است که هم در همه‌جاست و هم در هیچ کجا، اما در آنجا که بدن ما زندگی می‌کند نیست» (مددپور، ۱۳۸۳: ۷۹).

### چارچوب نظری

طبق نظریه ساخت‌یابی، عامل انسانی و ساخت در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ تکرار رفتارهای افراد، ساختارها را بازتولید می‌کند و به‌واسطه همین بازتولید ساختارها از سوی کنش انسانی، ساختارها برای کنش انسان‌ها محدودیت ایجاد می‌کنند (کرایب، ۱۳۸۸: ۱۴۴). به گفته گیدنز ارتباطات سریع الکترونیکی که حتی بر ساکنان مناطق بسیار فقیر کره زمین اثر می‌گذارد، نهادهای محلی و شکل زندگی روزمره را به‌شدت دگرگون می‌سازد. به نظر گیدنز، کنش‌های روزمره به‌وسیله خود کنشگران به لحاظ ساختاری مقید می‌شود و تکنولوژی‌های رسانه‌ای نیز در این امر دخیل هستند. در فرایند امتداد زمان و مکان، تجربیات رسانه‌ای شده، قادر به وادار کردن رویدادهای متفاوت به درون آگاهی روزمره است که می‌تواند به احساس عدم امنیت و واژگونی واقعیت منجر می‌شود. برای وی، تجربیات رسانه‌ای شده، شرط بیرونی کنش هستند که به ما اطلاعاتی درباره دیگران می‌دهند و روایتی را که ما درباره دیگران داریم، تغییر می‌دهند.

بر اساس نظریه ساخت‌یابی گیدنز می‌توان استنباط کرد که شبکه‌های اجتماعی مجازی محصول و مخلوق کنش معنادار آدمیان است و افراد چنین محیطی را خلق کرده‌اند، اما این محیط پس از شکل گرفتن محدودیت‌هایی را بر عاملان اعمال می‌کند. ساختار شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر اساس بازتولید یا تکرار همان رفتار مداوم آدم‌ها دوام می‌یابد. افراد در رویارویی با شبکه‌های اجتماعی

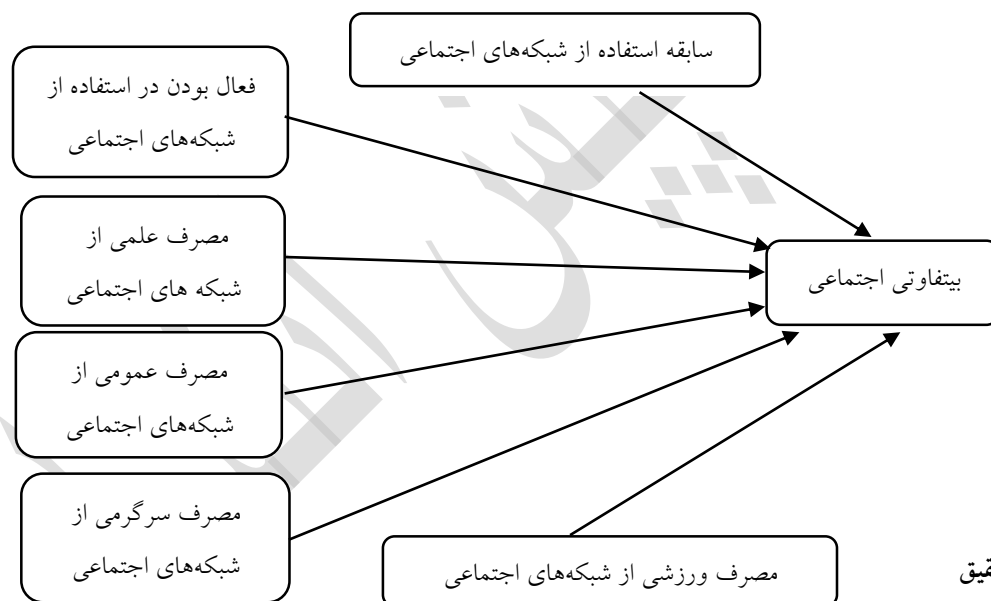
---

۱. هایدگر معتقد است تفکر روزگار ما درباره تکنولوژی بسیار سطحی و سراسری است. آن‌ها یا با تکنولوژی مخالف‌اند و یا با تکنولوژی موافق. به‌هرتقدیر انسان عصر مدرن به تکنولوژی متعهد و ملتزم شده است و اگر تکنولوژی برداشته شود تمدن فرومی‌ریزد اما از طرفی در نظر هایدگر تکنولوژی انرژی نهفته و امکانات و تغییرات عجیب و غریب را ظهور و بروز می‌دهد که انفجار هسته‌ای در برابر آن چیزی نیست. رجوع شود به پرسش از تکنیک اثر هایدگر.

مجازی برخلاف سایر رسانه‌های متعارف، صرفاً در رده تولیدکننده یا مصرف‌کننده قرار نمی‌گیرند، بلکه می‌توانند در صورت تمایل به‌طور هم‌زمان این دو نقش را داشته باشند و در آن به تولید و بازتولید بپردازند، اما افراد در برخورد با این ساختار، میزان فعالیت و مشارکت متفاوتی دارند. در واقع با استفاده از نظریه ساخت‌یابی می‌توان استنباط کرد که هر چه کاربران با فعالیت بازاندیشانه و مشارکت‌جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، بیشتر در تولید معنا سهیم هستند و لذا احتمال تأثیرپذیری آن‌ها بیشتر است، ولی هر چه کاربران منفعل و غیر مشارکت‌جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، کمتر در تولید معنا سهیم هستند و احتمال تأثیرپذیری آن‌ها کمتر خواهد بود (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۲).

به گفته گیدنز ارتباطات سریع الکترونیکی که حتی بر ساکنان مناطق بسیار فقیر کره زمین اثر می‌گذارد، نهادهای محلی و شکل زندگی روزمره را به شدت دگرگون می‌سازد. گیدنز، بحث جدایی زمان و مکان را مطرح می‌کند: «در جوامع پیشامدرن، زمان همیشه در پیوند با فضا بوده است و در اندازه‌گیری زمان دقت وجود نداشت و با ظهور مدرنیته زمان به معیار تبدیل شد و پیوند تنگاتنگ بین زمان و فضا از هم گسیخت» (بروجردی علوی، ایلالی، ۱۳۹۷: ۸۰). فرضیه‌های این تحقیق (میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، مشارکت و فعال بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی) از نظریه ساخت‌یابی گیدنز گرفته شده است.

#### مدل تجربی تحقیق



#### فرضیه‌های تحقیق

شکل ۱ مدل نظری تحقیق

به نظر می‌رسد

به نظر می‌رسد

به نظر می‌رسد بین نوع مصرف رسانه‌ای (علمی، سرگرمی، ورزشی و کسب اطلاعات عمومی) و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین فعال بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد میزان بی‌تفاوتی بر حسب جنسیت افراد تفاوت معناداری دارد.

به نظر می‌رسد میانگین بی‌تفاوتی اجتماعی بر حسب وضعیت شغلی افراد تفاوت معناداری دارد.

## روش‌شناسی تحقیق

روش انجام این مطالعه کمی و به صورت پیمایشی می‌باشد، روش گردآوری داده‌ها میدانی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق دانشجویان دانشگاه یاسوج در سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹ می‌باشد. بر اساس آمار اخذ شده از معاونت آموزشی این دانشگاه تعداد جامعه آماری ۵۳۸۵ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به شیوه نمونه‌گیری تصادفی بوده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسشنامه بوده است که به خاطر فراگیری کویید ۱۹ به روش اینترنتی در بین دانشجویان توزیع گردید. روند کارهم به این صورت بوده است که لینک پرسشنامه در اختیار تمامی اساتید و دانشجویان و نیز بخش‌های مختلف دانشگاه که دارای گروه‌هایی بودند که فقط دانشجویان دانشگاه یاسوج در آن عضو بودند ارسال شد و از آنها خواسته شد تا لینک مذکور را در اختیار دانشجویان قرار دهند. به این صورت تلاش شد که تمامی دانشجویان شانس دسترسی به پرسشنامه را داشته باشند.

هارولد کاپلان و بنیامین سادوک بی تفاوتی را رفتاری می‌دانند که در وضعیتی از نبود یا بی‌اعتنایی به احساس درونی و عاطفه انسانی، بی‌علاقگی و سطح اندک درگیری هیجانی نسبت به گرفتاری و نیاز به همراهی دیگران در محیط پیرامونی بروز می‌کند و می‌تواند با نشانه‌هایی از افسردگی یا روان‌گسیختگی اشتراک‌هایی داشته باشد (مسعود نیا، ۱۳۸۰: ۱۵۳). برای سنجش متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی از ۳۵ گویه در سطح سنجش رتبه‌ای مقوله‌ای استفاده شد. گویه‌های مذکور در طیف لیکرت پنج درجه‌ای طراحی شده و با گزینه‌های خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد با نمرات یک تا پنج کدگذاری شدند. نحوه نمره‌دهی پاسخگویان به نحوی بوده است که افراد بی تفاوت تر نمرات بالاتری را از طیف به خود اختصاص داده، کسانی که بی تفاوتی کمتری دارند نمرات پایین تری دریافت نمایند.

برای سنجش متغیر مستقل این تحقیق یعنی فضای مجازی (سابقه استفاده، مدت زمان نوع مصرف و نیز برخورد فعال/انفعالی با شبکه‌های مجازی) ابتدا تعریف نظری آن مشخص شد. در تمام تعاریف فضای مجازی، این فضا محیط الکترونیکی یا محیط شبکه‌ای از کامپیوترها دانسته می‌شود که با استفاده از جلوه‌های سمعی و بصری سعی دارد تا اشیاء و واقعیت‌های سه بعدی جهان واقعی را مشابه سازی کند اما ادعا می‌شود که فاقد مادیت فیزیکی هستند، گفته می‌شود که از خصوصیات بارز این فضا بی‌مکانی و بی‌زمانی است (منتظر قائم، ۱۳۸۱: ۲۳۱). در این تحقیق برای سنجش فضای مجازی از ۲۰ گویه استفاده شده است. ۷ گویه برای سنجش سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ۷ گویه برای مدت زمان نوع مصرف رسانه‌ای، و ۶ گویه فعال بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی (منظور این است که آیا کاربر فقط به عنوان یک بیننده مطالب دیگران را می‌خواند یا اینکه فعالانه در این محیط طرح موضوع کرده، با دیگران بحث می‌کند، گروه‌های هم‌اندیشی و علاقمندی مشترک راه‌اندازی می‌کند و ...) را مورد بررسی قرار داده‌اند. گویه‌های مذکور نیز در طیف لیکرت پنج درجه‌ای طراحی شده و با گزینه‌های خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد با نمرات یک تا پنج کدگذاری شدند.

اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار صوری و سازه (تحلیل عامل اکتشافی) برآورد شد و پایایی آن بر اساس آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد.

جدول ۱: پایایی متغیرهای پرسشنامه

متغیر	آلفا	تعداد گویه
سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۰/۷۰	۷
مصرف رسانه‌ای (علمی، سرگرمی، ورزشی و کسب اطلاعات عمومی)	۰/۷۵	۷
فعال بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۰/۷۸	۶
بیتفاوتی اجتماعی	۰/۸۳	۳۵

به منظور ارزیابی دقیق‌تر هم‌بستگی درونی گویه‌های مربوط به بی‌تفاوتی اجتماعی از روش تحلیل عامل اکتشافی استفاده شد. براساس نتایج حاصل از آزمون کفایت نمونه‌گیری ( $KMO=0.918, p<0.00$ ) اطمینان حاصل شد که داده‌ها پیش‌فرض ویژگی‌های لازم برای انجام آزمون تحلیل عاملی را دارا هستند. همچنین این تحلیل نشان داد در مجموع چهار عامل استخراج شده توانسته‌اند (۵۵/۴۴٪) از واریانس متغیر بیتفاوتی اجتماعی را تبیین کنند.

نهایتاً برای دسته‌بندی و تلخیص و شناسایی گویه‌های مربوط به بیتفاوتی از تحلیل ماتریس چرخش یافته به سبک واریماکس استفاده شد. براساس اطلاعات جدول شماره (۴) گویه‌های مربوط به هر عامل ذیل آنها قرار گرفتند که با توجه به محتوای گویه‌ها عامل‌های چهارگانه بیتفاوتی نسبت به مسائل علمی در دانشگاه‌ها، بیتفاوتی نسبت به مسائل سیاسی، بیتفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی و بیتفاوتی نسبت به مسائل اقتصادی نام‌گذاری شدند.

جدول ۲: نتایج تحلیل عامل اکتشافی گویه‌های بیتفاوتی و بار عاملی مربوط به هر گویه

عامل	عامل				
	۴	۳	۲	۱	
بیتفاوتی نسبت به فعالیتهای علمی دانشگاه				۰/۷۶۶	آینده پیشرفت علمی دانشگاه برایم اهمیتی ندارد.
				۰/۷۱۶	اگر اتوبوس (سرویس ایاب و ذهاب) تاخیر داشته باشد سریعاً اعتراض می‌کنم.
				۰/۶۸۹	اگر استادی نتواند به خوبی درسش را ارائه دهد به آن استاد اعتراض می‌کنم.
				۰/۶۷۹	بود و نبود استاد خوب برای تدریس برایم مهم نیست.
				۰/۶۵۹	اگر امکانات رفاهی خوابگاه دانشگاه مطلوب نباشد اعتراض می‌کنم.
				۰/۶۰۱	غذای سلف سرویس بد باشد علناً اعتراض می‌کنم.
				۰/۵۵۰	اگر دانشجویی به اموال عمومی دانشگاه صدمه بزند و به راحتی از کنار آن می‌گذرم.
				۰/۵۳۲	بعضی مواقع که دانشجویان نسبت به مسأله‌ای اعتراض عمومی دارند، شرکت نمی‌کنم و اعتراض کردن را وظیفه خودم نمی‌دانم.
بیتفاوتی سیاسی			۰/۷۵۹	برای شرکت در انتخابات و رای دادن به کاندیداهای مورد منظر علاقه مند نیستم.	
			۰/۷۵۱	از اختلاس کردن مسولان خیلی گلایه ای ندارم.	
			۰/۷۰۳	آینده سیاسی کشورم برام اهمیتی ندارد.	
			۰/۶۶۴	رانت و فساد هایی که در جامعه رخ می‌دهد برایم مهم نیست.	
بیتفاوتی		۰/۷۹۷			مشکلاتی که در بین مردم در حال افزایش است برایم مهم نیست
		۰/۷۶۰			عملاً اعتراض کردن به وضعیت تورمی جامعه بهبودی است

۰/۷۴۰			در جلوی چشمم سرقتی صورت می‌گیرد ترجیح می‌دهم بگذرم تا اینکه به کمک شخص زیان دیده بشتابم.
۰/۷۲۶			کلا نسبت به جریانات و اتفاقاتی که در جامعه رخ می‌دهد بی‌اعتنا هستم
۰/۵۹۵			اگر بینم که فردی در خیابان مزاحمت برای دختر جوانی ایجاد می‌کند ( او را تهدید و یا متلک می‌پراند) به راحتی از کنارش می‌گذرم.
۰/۵۹۳			اگر تصادفی در خیابان رخ بدهد بدون توجه به کمک خواستن، شروع به عکس و فیلمبرداری می‌کنم.
۰/۵۸۱			اینکه مردم مسایل اجتماعی روز را درک می‌کنند یا نه، به حال من فرقی نمی‌کند.
۰/۵۷۲			اگر کسی ازم درخواست کمک مادی کند در حد توانم به او کمک می‌کنم.
۰/۵۶۰			اگر بدانم خانواده‌ای در هزینه زندگی روزمره خود مانده است، در حد توانم کمک می‌کنم.
۰/۸۳۳			افزایش چند برابری قیمت خانه و خودرو برایم مهم نیست.
۰/۶۴۴			اینکه اقتصاد به چه سمتی می‌رود به من ربطی ندارد.
۰/۶۰۳			قیمت‌ها هر چقدر هم که بالا برود چاره‌ای نداریم جز اینکه با آن‌ها بسازیم.
۰/۶۰۰			چون با دلار کاری ندارم بالا یا پایین آمدن قیمت آن اصلا برایم مهم نیست.
۰/۵۲۴			برای مقابله با وضع گرانی کالا و مواد غذایی حاضرم علنا اعتراض کنم.

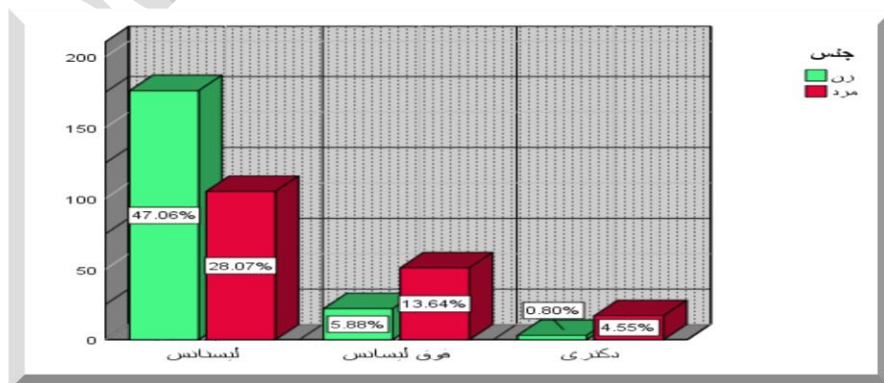
بیتفاوتی اقتصادی

### آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

از آنجاکه نقش آمار توصیفی در فرایند تحلیل آماری بسیار مهم و حیاتی هست در زیر به توصیف متغیرهای مستقل زمینه‌ای و مستقل پرداخته شده است.

به لحاظ جنسیت ۵۳/۷ درصد از پاسخگویان زن و ۴۶/۳ درصد مرد هستند. که حاکی از مشارکت بیشتر زنان در پژوهش است. بر حسب وضعیت تحصیلات، بیشترین فراوانی در مقطع لیسانس و مربوط به زنان است و کمترین فراوانی هم در مقطع دکتری و باز هم مربوط به زنان است. نمودار زیر این توزیع را به تصویر کشیده شده است.

نمودار ۱ توزیع فراوانی نسبی تحصیلات اعضای نمونه بر حسب جنسیت



بر اساس اطلاعات کسب شده ۳۷/۴ درصد از پاسخگویان در دانشکده علوم انسانی، ۲۹/۹ درصد دانشکده فنی مهندسی، ۲۲/۲ درصد دانشکده علوم پایه و ۱۰/۴ درصد در دانشکده کشاورزی مشغول به تحصیل هستند. در خصوص وضعیت بی تفاوتی دانشجویان به عنوان متغیر وابسته تحقیق، میانگین بی تفاوتی آن‌ها برابر با ۱۰۳,۹۵ برآورد شده است حال آنکه میانگین طیف سنجش این متغیر ۱۱۱ بوده است. آزمون تی تک نمونه‌ای نشان می‌دهد میزان بی تفاوتی مشاهده شده دانشجویان با اطمینان ۹۹ درصد در سطح جامعه آماری پایین تر از سطح متوسط هست. این امر نشان می‌دهد که دانشجویان از گروه‌هایی هستند که نسبت به اتفاقات اطراف خود حساس هستند. بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته وضعیت توصیفی متغیرهای مستقل تحقیق در جدول زیر نمایش داده شده است:

جدول ۳ آماره‌های متغیرهای تحقیق

متغیر	فراوانی	میانگین	میانگین طیف	آزمون تی تک نمونه-ای		انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
				t	سطح معناداری			
بی تفاوتی اجتماعی	۳۵۲	۱۰۳/۹۵	۱۱۱	-۷/۱۸	۰/۰۰	۱۸/۴	۱/۴۴	۲/۷
فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی	۳۵۵	۲۰/۴۵	۲۱	-۱/۶۸	۰/۰۹	۶/۱۵۶	۰/۲۳۳	۰/۴۹
سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۳۵۴	۲۵/۴	۲۱	۱۳/۳۲	۰/۰۰	۶/۲۱	-۱/۴۸	۱/۶۵

اطلاعات جدول شماره (۴) توزیع فراوانی نسبی پاسخ‌های داده شده به گویه‌های مربوط به بی تفاوتی اجتماعی را نشان می‌دهد:

جدول ۴ میزان بی تفاوتی اجتماعی در سطح نمونه

گویه‌های بی تفاوتی اجتماعی	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	درصد کل
رانت و فسادهایی که در جامعه رخ می‌دهد برایم مهم نیست	۴۶/۴	۲۸/۹	۱۱/۴	۶/۵	۸/۶	۱۰۰/۱
برای مبارزه با فساد حاضرم علناً به خیابان‌ها بیایم و علیه فسادگران شعار سر دهم.	۱۷/۳	۱۲/۰	۲۷/۲	۲۲/۷	۲۰/۸	۱۰۰/۱
اعتراض کردن به وضعیت موجود هیچ چیزی را تغییر نمی‌دهد.	۳۲/۵	۲۳/۲	۱۶/۵	۱۵/۰	۱۲/۸	۱۰۰/۱
برای مقابله با وضع گرانی کالا و مواد غذایی حاضرم عیاناً اعتراض کنم.	۶/۹	۱۲/۵	۳۲/۳	۲۴/۸	۲۳/۵	۱۰۰/۱
معضلات اجتماعی که گریبان گیر جامعه و مردم است به من ربطی ندارد.	۳۱/۸	۲۷/۷	۱۳/۳	۱۲/۰	۱۵/۲	۱۰۰/۱
افزایش قیمت خانه و خودرو برایم مهم نیست.	۵۱/۵	۲۳/۲	۱۰/۶	۳/۲	۱۱/۵	۱۰۰/۱
برای مقابله با اختلاس گران حاضرم کمپین مبارزه با اختلاس و فساد راه بیندازم.	۸/۸	۷/۵	۴۰/۸	۲۰/۵	۲۲/۴	۱۰۰/۱
پوشش ظاهری هر شخصی به خودش مربوط است و ربطی به من و شخص و نهاد دیگری ندارد.	۲۳/۲	۱۴/۹	۱۳/۵	۱۷/۶	۲۲/۸	۱۰۰/۱
در جلوی چشم من سرقتی صورت می‌گیرد ترجیح می‌دهم بگذرم تا اینکه به کمک شخص زیان دیده بشتابم.	۳۳/۶	۳۲/۸	۱۶/۸	۹/۱	۷/۷	۱۰۰/۱



اگر تصادفی در خیابان رخ دهد بدون توجه به کمک خواستن، شروع به عکس و فیلم برداری می‌کنم.	۴۴/۵	۲۱/۸	۱۰/۵	۸/۷	۱۴/۵	۱/۱۰۰
اگر جلوی چشمم دعویایی در خیابان رخ دهد میانجیگری می‌کنم.	۱۷/۱	۱۸/۹	۳۴/۱	۱۸/۶	۱۱/۳	۱/۱۰۰
کلاً نسبت به جریانات و اتفاقاتی که در جامعه رخ می‌دهد بی‌اعتنا هستم.	۳۷/۶	۳۲/۷	۱۴/۸	۱۰/۰	۴/۹	۱/۱۰۰

جدول زیر نشان می‌دهد در زمانی که دانشجویان از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند بیشتر چه فعالیت‌هایی انجام می‌داند، اطلاعات زیر نشان می‌دهد که ۷۰ درصد از دانشجویان کمتر از یک ساعت از وقت خودشان را صرف افزایش اطلاعات عمومی، ۱۲/۴ درصد تقریباً دو ساعت از وقت خود را صرف افزایش اطلاعات علمی، ۶۶/۳ درصد کمتر از یک ساعت از شبکه‌های اجتماعی برای سرگرمی و حدوداً ۴۰ درصد کمتر از یک ساعت برای پیگیری مسابقات ورزشی از شبکه‌های اجتماعی و اینترنت استفاده می‌کردند.

جدول ۵ توزیع فراوانی نسبی نوع استفاده از فضای مجازی توسط دانشجویان

کمتر از ۵۹ دقیقه	از ۶۰ تا ۱۱۹ دقیقه	بین ۱۲۰ تا ۱۷۹ دقیقه	بین ۱۸۰ تا ۲۳۹ دقیقه	بین ۲۴۰ تا ۳۰۰ دقیقه	بیشتر از ۳۰۰ دقیقه
۷۰/۱	۱۶/۷	۱/۳	۳	۲/۲	۸/۹
۶۵/۱	۱۲/۴	۷/۸	۳/۵	۳/۲	۷/۸
۶۶/۳	۱۲/۹	۵/۱	۳/۲	۲/۲	۱۰/۰
۳۹/۱	۲۱/۳	۵/۴	۱۰/۲	۱۲/۷	۱۰/۸

آمار استنباطی فرضیه‌هایی که همبستگی بین برخی متغیرها با بی‌تفاوتی اجتماعی را بررسی کرده‌اند در جدول زیر آمده است

جدول ۶ رابطه فعال بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی

بی‌تفاوتی اجتماعی			
سطح معناداری	ضریب همبستگی	جمع کل	
۰/۰۰۰	۰/۴۰۳	۳۶۱	فعال بودن
۰/۵۸	۰/۰۲۹	۳۶۱	سابقه استفاده
۰/۰۰۴	۰/۱۰۹*	۳۶۱	استفاده از شبکه‌ها برای اطلاعات عمومی
۰/۰۰۰	۰/۱۷۰**	۳۶۱	افزایش اطلاعات علمی
۰/۰۰۰۰	۰/۱۹۵**	۳۶۱	استفاده از شبکه‌ها برای سرگرمی
۰/۰۰۱	۰/۱۲۸*	۳۶۱	پیگیری مسابقات ورزشی

در خصوص فرضیه وجود رابطه بین فعال بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی این نتیجه حاصل شده است؛ نتیجه ضریب همبستگی پیرسون نشان‌دهنده رد شدن فرض صفر و تأیید وجود رابطه معنادار (با شدت ۰/۴۰۳) بین فعال بودن در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی است. این فرضیه با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شده است و نشان می‌دهد هرچه دانشجو بیشتر در شبکه‌های اجتماعی فعال‌تر و مشارکت بیشتری داشته باشد میزان بی‌تفاوتی او نیز افزایش پیدا می‌کند. در خصوص رابطه میزان سابقه استفاده از فضای مجازی و بی‌تفاوتی جدول فوق نشان می‌دهد که صرف سابقه استفاده از

اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با میزان بی تفاوتی دانشجوی ارتباطی ندارد. بنابراین فرضیه تحقیق رد می‌شود و فرض صفر پذیرفته می‌شود.

نتیجه ضریب همبستگی پیرسون مدت زمان استفاده در ابعاد مختلف شبکه های اجتماعی که در جدول فوق نشان داده شده است چنین بیان می‌کند که مدت زمان نوع مصرف رسانه‌ای با میزان بی تفاوتی دانشجوی ارتباطی دارد. بنابراین فرضیه تحقیق پذیرفته و فرض صفر رد می‌شود. این فرضیه در نوع مصرف اطلاعات عمومی و مسابقات ورزشی با اطمینان ۹۵ درصد و برای مصرف اطلاعات علمی و سرگرمی با اطمینان ۹۹ درصد تایید شده است..

جدول زیر نتیجه آزمون تی دو نمونه مستقل می‌باشد که میزان بی تفاوتی را بین دختران و پسران می‌سنجد، نتایج نشان داد دختران با میانگین (۱۰۵/۹۳) بی تفاوت‌تر از پسران با میانگین (۱۰۱/۵۴) می‌باشند و میزان بی تفاوتی اجتماعی برحسب جنسیت تفاوت معناداری دارد.

جدول 7 وضعیت بی تفاوتی اجتماعی بر حسب جنسیت

سطح معنی داری	مقدار تی	پسران		دختران		بی تفاوتی اجتماعی
		میانگین نمره	فراوانی	میانگین نمره	فراوانی	
۰/۰۰	۲/۲۴	۱۰۱/۵۴	۱۵۹	۱۰۵/۹۳	۱۹۳	

در خصوص فرضیه وجود تفاوت در میزان بی تفاوتی بر حسب تحصیلات افراد، نتیجه آزمون آنوا نشان داد که میزان بی تفاوتی افراد برحسب سطح تحصیلات فرد تفاوت معناداری دارد ( $p < 0.03$ ). همچنین نتیجه آزمون تعقیبی توکی نشان داد تفاوت بین مقطع تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس باعث تأیید این فرضیه شده است. بررسی فرضیه تفاوت میزان بی تفاوتی بر حسب دانشکده ها نیز نشان داد با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری در میزان بی تفاوتی دانشجویان علوم انسانی با دانشجویان علوم پایه و کشاورزی وجود دارد و منجر به تأیید این فرضیه شده است.

برای نشان دادن وضعیت اشتغال افراد و ایجاد تفاوت معنادار در میزان بی تفاوتی اجتماعی از آزمون تی برای دو نمونه مستقل استفاده شد و نتیجه نشان داد که با اختلاف زیادی بی تفاوتی اجتماعی در بین بیکاران بیشتر از شاغلین می‌باشد.

جدول ۸ وضعیت بی تفاوتی اجتماعی بر حسب وضعیت شغلی

سطح معنی داری	مقدار تی	بیکار		شاغل		بی تفاوتی اجتماعی
		میانگین نمره	فراوانی	میانگین نمره	فراوانی	
۰/۰۰	-۴/۲۴	۱۱۰/۲۷	۱۰۱	۱۰۰/۲۱	۱۴۱	

برای یافتن درک بهتر از تأثیرگذاری همزمان متغیرهای مستقل این تحقیق بر بی تفاوتی اجتماعی از معادله رگرسیونی به روش گام به گام استفاده شده است که نتایج آن در زیر آمده است:

جدول ۹ برآورد رگرسیونی متغیرهای تحقیق

ضریب تعیین تطبیق	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	مدل
۰,۱۷۴	۰,۱۸۸	۰,۴۳۴	

با توجه به جدول بالا ۱۷,۴ درصد از تغییرات بی تفاوتی اجتماعی ناشی از مشارکت فعال در استفاده از شبکه‌های اجتماعی می باشد چرا که سایر متغیرهای مستقل تحقیق در این معادله رگرسیونی معنادار نشدند. با توجه به ضریب بتای این متغیر می توان گفت که با یک واحد تغییر در انحراف استاندارد مشارکت فعال در شبکه های اجتماعی به میزان ۰,۳۹ در انحراف استاندارد بی تفاوتی تغییر ایجاد می شود. در زمینه نوع مصرف نیز تنها متغیری که با احتیاط می توان اثر آن را بر بی تفاوتی معنادار تفسیر کرد میزان استفاده برای فعالیت های سرگرمی است که بتای آن برابر با ۰,۱۲۱ در فاصله اطمینان ۹۳ درصد برآورد شده است. چنانکه گفته شد ما بقی متغیرها اثر رگرسیونی معناداری بر بی تفاوتی اجتماعی نداشتند.

## نتیجه گیری

آنچه گذشت مطالعه ای در خصوص تاثیر فضای مجازی بر بیتفاوتی اجتماعی بود با هدف این نکته که گسترش فضای مجازی در سطح جامعه و همچنین بیتفاوتی اجتماعی که اغلب در جامعه دیده شده است که مصادیقی از آن در بیان مسئله آورده شد، می تواند ارتباطی با هم داشته باشند یا خیر؟

یافته های آماری این تحقیق نشان داد که سطح بی تفاوتی دانشجویان پایین تر از حد متوسط طیف هست. در خصوص ارتباط متغیرهای زمینه ای با بی تفاوتی داده ها نشان دادند زنان و بی کاران بی تفاوتی بیشتری را نسبت به مردان شاغل تجربه می کنند و نیز میزان بی تفاوتی در بین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معنی داری دارد. همچنین دانشجویانی که در رشته های علوم انسانی تحصیل می کنند سطح بی تفاوتی بالاتری نسبت به سایر رشته ها دارند.

با توجه به مقوله ی بیتفاوتی اجتماعی به عنوان یک متغیر وابسته در این تحقیق و تاثیر فضای مجازی بر آن، این نتیجه حاصل شد که یکی از موضوعات که در بین دانشجویان وجود دارد و با آن درگیر بوده و مقوله ی بیتفاوتی اجتماعی بود که تا حدودی این بحث را به عموم افراد جامعه نیز تعمیم داد. بی تفاوتی اجتماعی نشان می دهد که افراد بیگانه شده با توسل به ایده ی شی واره شده ی خود محرک مناسب را در جهت تغییرات نگرشی و تحولات تمایلاتی خود ایجاد کرده اند که می تواند زمینه را برای شکل گیری بحران مشارکت و یا جهت گیری مثبت و منفی این افراد در فرایندهای اجتماعی فراهم کرد.

به غیر از متغیرهای زمینه ای در این تحقیق از سه متغیر استفاده شده است تا تاثیر آن ها را بر بی تفاوتی اجتماعی موردسنجش قرار دهد. نتایج حاصل از بررسی داده ها به قرار زیر است:

فعال بودن در استفاده از شبکه های اجتماعی یکی از متغیرهایی بود که تأثیر آن بر بی تفاوتی اجتماعی بررسی و مشخص شد. اثر این متغیر بسیار جدی تر و مهمتر از سایر متغیرها است. به طوری که هر چه شخص بیشتر در شبکه های اجتماعی و فضای مجازی مشارکت فعالتری داشته باشد و به صورت منفعلانه با محتوای این شبکه ها برخورد نداشته باشد میزان بی تفاوتی بیشتری را تجربه می کند. نتایج تحقیق همسو با دیدگاه زیمل می باشد بنابر نظریه زیمل در خصوص فضای زندگی مدرن، در آشناگردی اینترنتی دنیای امروز نیز افراد فعالانه از این فضا استفاده می کنند، هیچ کسی طرف مقابلش را نمی شناسد و تعهدی نسبت به رابطه ای که برقرار کرده است ندارد به بیانی دیگر این آشناگردی اینترنتی باعث گسترش فردیت گرایی در جامعه امروزی شده است که بی تفاوتی مدنی را از کلیه ی قیود مکانی کالبد داشتنگی آن آزاد کرده است و همین باعث توسعه یک نوع بی تفاوتی اجتماعی می شود.

سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی یکی دیگر از متغیرهایی بود که تأثیر آن بر بی‌تفاوتی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها، متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تأثیری بر بی‌تفاوتی اجتماعی نداشت. نتایج تحقیق همسو با مطالعه جمشیدی و همکاران (۱۴۰۰) نیست. شاید بتوان دلیل این ناهمخوانی را به تفاوت‌های فاحش زمانی و مکانی جامعه آماری دو مطالعه نسبت داد. تحقیق جمشیدی در سال ۱۳۹۸ در بین شهروندان منطقه ۱ و ۲ تهران و این مطالعه در سال ۱۴۰۰ در بین دانشجویان دانشگاه یاسوج صورت گرفته است. خلاصه در این تحقیق این‌که افراد به چه مدت با شبکه‌های مجازی آشنایی دارند و از آن‌ها استفاده می‌کنند اثری بر بی‌تفاوتی اجتماعی آنها نداشت.

آخرین متغیر نوع مصرف رسانه‌ای بود که رابطه‌ای مثبت و مستقیم با بی‌تفاوتی اجتماعی دارد. مصرف رسانه‌ای متغیر تأثیرگذاری است، این‌که از شبکه‌های اجتماعی در چه راستایی استفاده می‌شود، بحث مهمی است. نتیجه تحقیق با مطالعه فتیحی و جعفری (۱۳۹۶) همخوانی دارد، نوع مصرف رسانه‌ای تأثیر مهمی بر تغییر سبک زندگی افراد دارد، بی‌تفاوتی اجتماعی را می‌توان سبک زندگی جدیدی دانست که محصول جامعه مدرن و پسامدرن می‌باشد. دی فلور و بال روکیچ<sup>۱</sup> در الگوی خویش درباره وابستگی و نحوه استفاده از رسانه‌ها بر این باورند که شرط مهم برای بروز اثرات، میزان وابستگی و نوع استفاده به بعضی رسانه‌های ارتباطی است، مجرای که مردم برای به دست آوردن اطلاعات مهم نسبت به آن احساس وابستگی می‌کنند و این‌که چگونه استفاده می‌کنند، توان بیشتری برای ایجاد اثرات دارد، تا مجرای که تفاوتی با مجاری دیگر ندارد و اطلاعاتی که فراهم می‌کند فاقد اهمیت است. هر چند این نتیجه در سطح آزمون روابط همبستگی تایید شد اما در برآوردهای رگرسیونی این نتیجه با شدت کمتر و در فاصله اطمینان پایبندی دیده شد.

بر اساس داده‌های این تحقیق و بر اساس نظریه ساختاربنندی گیدنز فعالیت بازاندیشانه و مشارکت‌جویانه کنشگران در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و حضور مستمر و پررنگ آن‌ها در فضای مجازی باعث می‌شود که احتمال تأثیرپذیری آن‌ها از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را بیشتر کند ولی فعالیت منفعلانه و کمتر و غیر مشارکت‌جویانه یا گذری در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی باعث تولید کمتر معنا توسط کنشگران و نهایتاً تأثیرپذیری کمتر توسط کاربران فضای مجازی خواهد بود.

در مجموع نتایج به‌دست‌آمده از متغیرهای تحقیق تایید کننده دیدگاه‌های فرزن و دریفوس هست چنانکه معتقدند فضای مجازی می‌تواند افراد را از تماس‌های اجتماعی محروم کند و ارتباطات اجتماعی را کم و نهایتاً موجب بی‌تفاوتی اجتماعی گردد. نخست آنکه این پتانسیل در اینترنت وجود دارد که تعاملات مجازی را جایگزین تماس‌های اجتماعی حقیقی کند. هرچه انسان به تنوع هم‌جواری مجازی بیشتر توجه کند و بیشتر آن را فراگیرد، وقت کمتری را به کسب و به‌کارگیری مهارت‌های لازم برای هم‌جواری غیرمجازی اختصاص می‌دهد. دریفوس اعتقاد دارد که استفاده از شبکه‌های مجازی، درگیری فرد در دنیای فیزیکی و اجتماعی را کاهش می‌دهد. این امر به نوبه خود درک فرد از واقعیت و از معنای زندگی خودش را کاهش می‌دهد. در حقیقت به نظر می‌رسد هرچه بیشتر از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنیم، ما را به درون دنیای غیرواقعی، تنها و بی‌معنا آن‌هایی می‌کشاند که می‌خواهند از همه درس‌هایی که بدن میراث بر آن است بگریزند و انسان‌ها را تبدیل به افرادی بی‌تفاوت از محیط و مسائل اجتماعی می‌کند. نتایج این تحقیق هم به نوعی بر این دیدگاه صحت گذاشت به این صورت که مشخص شد هر چه افراد درگیری بیشتری با دنیای واقعی داشته باشند مثلاً به لحاظ شغلی، شاغل باشند میزان بی‌تفاوتی کمتری را تجربه می‌کنند و بر عکس این حالت غرق

شدن در فضای مجازی و بویژه نه صرف وقت گذراندن منفعلانه در آن بلکه فعال بودن در آن می تواند به بی تفاوتی بیشتر منجر شود. این قضیه با توجه به گستردگی استفاده از شبکه های اجتماعی در بین ایرانیان و بویژه دانشجویان به عنوان قشر آینده ساز ایران بسیار مهم می نماید و حتما باید برای خنثی کردن این وضعیت چاره ای اندیشیده شود چرا که این مسئله می تواند منجر به سقوط اخلاقی و اجتماعی در جامعه شود و موجودیت جامعه را تهدید کند.

یافته های این تحقیق به وضوح نشان می دهد استفاده از شبکه های اجتماعی (با هر منظوری) تنها به تغییر نگرش شناختی و یا عاطفی کاربران منجر می شود و منتهی به تغییر رفتار و یا کنش مرتبط با آنها نمی شود. از این رو به نظر می رسد سیاست گذاران باید با تکیه بر مطالعات علمی این وضعیت را به دقت بررسی نموده و در راستای نحوه به کار گیری شبکه های اجتماعی و یا هرگونه برنامه ریزی برای ایجاد تغییرات اجتماعی از طریق این شبکه ها کاملا سنجیده عمل کنند. ا

## منابع

- اسلوین، ج. (۱۳۸۰). *اینترنت و جامعه*، ترجمه عباس گلیگوری، تهران: کتابدار.
- استونز، ر. (۱۳۹۳). *متفکران بزرگ جامعه شناسی*، مترجم مهدی میردامادی، چاپ نهم، تهران: نشر مرکز.
- بروجردی علوی، م و ایلالی، ح. (۱۳۹۷). «پیامدهای زیست مجازی ایرانیان»، *فصلنامه مطالعات رسانه های نوین*، سال چهارم، شماره ۱۶: ۷۵-۱۱۰.
- بل، د. (۱۳۸۹). *درآمدی بر فرهنگ های سایبر*، ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- ترنر، ج.ا. (۱۳۹۴). *نظریه های نوین جامعه شناسی*، مترجم علی اصغر مقدس و مریم سروش، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- توسلی، غ. (۱۳۸۲). *مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک (رابطه آسیب ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی)*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- چیت ساز، م و سالک، س. (۱۳۹۵). «بررسی جامعه شناختی اثرات شبکه های مجازی جدید بر زندگی فردی و اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان شهرضا)»، *فصلنامه مهندسی فرهنگی*، سال دهم، شماره ۸۶: ۱۲۶ - ۱۰۵.
- دیلینی، ت. (۱۳۹۲). *نظریه های جامعه شناسی کلاسیک*، مترجم بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۹). *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، مترجم محسن ثلاثی، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات علمی.
- زیمل، گ. (۱۳۵۸). «کلان شهر و حیات ذهنی»، ترجمه گیتی اعتماد، چاپ اول، برگرفته از کتاب *گزیده مقالاتی از کتاب مفهوم شهر*، شماره ۱، تهران: نشر ایران.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۵). *جامعه شناسی ارتباطات*، چاپ هفدهم، تهران: اطلاعات.
- صیادی، پ و عطایی، پ. (۱۳۹۶). «تحلیل جامعه شناختی تأثیر استفاده از اینترنت بر روابط افراد در خانواده (مورد مطالعه: شهر اصفهان)»، *فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، سال یازدهم، شماره دوم، پیاپی (۲۷): ۳۱۳-۳۴۲.

جمشید زاده، الف؛ کفاشی، م؛ میرزایی، خ. (۱۴۰۰). «مطالعه جامعه‌شناختی نقش شبکه‌های اجتماعی بر بی‌تفاوتی اجتماعی مطالعه موردی (شهروندان منطقه ۱ و ۲ شهر تهران در سال ۱۳۹۸)»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال یازدهم. شماره ۱ سی و نهم: ۱-۳۴.

ظهیری نیا، م و گلابی، ف و هدایت ایوریق، ر. (۱۳۹۳). «شناسایی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی»، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، سال دوازدهم. شماره چهل و پنجم: ۱۲۱-۸۶.

عدلی پور، ص. (۱۳۹۱). «تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی کاربران جوان شهر اصفهان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، گروه علوم اجتماعی.

عدلی پور، ص؛ ملکیان، م؛ حاجیانی، س. (۱۳۹۳). *آسیب‌شناسی شبکه‌های اجتماعی مجازی*، تهران: پارسینه.

عنبری، م و غلامیان، س. (۱۳۹۵). «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره هفتم. شماره ۲: ۱۵۹-۱۳۳.

فتحی؛ ح و جعفری، ع. (۱۳۹۶). «رابطه مصرف رسانه‌ای با تغییر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی)»، *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، سال سوم، شماره ۹: ۲۵۵-۲۲۲.

قاضی زاده، ه و کیانپور، م. (۱۳۹۴). «بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان)»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول: ۵۹-۷۸.

کرایب، ی. (۱۳۸۸). *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر آگه.

کوزر، ل. (۱۳۸۹). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات علمی. گیدنز، آ. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

محسنی تبریزی، ع و صداقتی فرد، م. (۱۳۸۹). «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش شهروندان تهرانی)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۳، شماره سوم: ۲۲-۱.

مسعود نیا، ا. (۱۳۸۰۹). «تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات سیاسی و اجتماعی»، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۶۷ و ۱۶۸: ۱۶۵-۱۵۲.

مصلحی نیک، ف و حاجیانی، الف. (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر فضای مجازی بر همدلی اجتماعی دانشجویان»، *فصلنامه راهبرد فرهنگی*، سال ششم، شماره بیست و دوم: ۳۳۱-۳۵۵.

مک‌کوایل، د. (۱۳۸۵). *نظریه ارتباطات جمعی*، پرویز اجلائی، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌های مهدی زاده، م. (۱۳۸۹). *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، چاپ اول، تهران: نشر همشهری.

نوابخش، م و میرزاپوری ولوکلا، ج. (۱۳۹۴). «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر بابل)»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال هفتم، شماره سوم: ۶۷-۵۳.

ویندال، س؛ سیگانپترز، ب؛ جین، الف. (۱۳۸۷). *کاربرد نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: جامعه‌شناسان.

هدایتی، ع؛ زینی وند، ی؛ رسولزاده اقدام، ص. (۱۳۹۵). «آسیب‌شناسی شبکه‌های اجتماعی مجازی موبایل محور در زمینه تربیت دینی (مورد مطالعه: دانش آموزان مقطع متوسطه شهر تبریز)»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، سال هشتم، شماره سی و یکم: ۴۵-۲۳.

یزدانپناه، ل و حکمت، ف. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان (مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان)»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره هشتم، شماره ۲: ۱۵۰-۱۲۷.

شورای عالی فضای مجازی. (۱۳۹۶). «عوامل-مشوق-فعالیت-شرکت های-خارجی-در-فضای-مجازی شورای عالی فضای مجازی».

مددیپور، م. (۱۳۸۳). «هیوبرت دریفوس و ستیز نظری با تکنولوژی اطلاعات و اینترنت»، *کلیات کتاب ماه*، ۱۳۸۳.

[majazi.ir/general\\_content/82068](http://majazi.ir/general_content/82068)

سایت مشرق نیوز. (۱۳۹۷). «آخرین-آمار-کاربران-فضای-مجازی-در-ایران»، کد خبر ۸۵۰۴۲۵؛

<https://www.mashreghnews.ir/news/850425>

Viaznikova, L. F. Olga, M. O.Svetlana, v. Saltseva, M. S. F.Olga, N. B. Anna, S. Streltsova, I. V. Sivova, T. I. (2019). Reasons if Student Social Apathy. *Humanities & Social Sciences Reviews*. eISSN: 2395-6518. Vol 7. No 4: pp 1248-1254.

Mason. D. S. (1991). Apathy and the Birth of Democracy: The Polish Struggle. *East European Politics and Societies*. Vol 5. Issue 2: 205-233.

Kline.R. (2014). Supermajority voting social indifference and status quo constraints. *Journal of Theoretical Politics*. Vol 26, Issue 2: 312- 330

Chong.T. T.J. (2020). Definition: Apathy. *Cortex*. Volume 128: 326-327

Karoubi, Mehdi & Ferdowsi, Sajad(2021) Impact of Perceived Social Apathy on Tourists' Behavioral Intentions, ) Journal homepage: <https://www.tandfonline.com/loi/rkst20>.

Zuboff,shoshana (The age of surveillance capitalism, publca Affairs.